Archive of SID

صفحات ۶۸ – ۴۹

اخلاق مداری پیامبر(ص) در غزوات

سهراب اسلامی [۱]
حسین خسروی [۲]
عبداله رحیمی [۳]

چکیده

اخلاق و اصول اخلاقی یکی از جنبه های مهم دین اسلام است که بدان اهمیت بسیاری داده شده است. بر این اساس در قرآن کریم یکی از اهداف بعثت پیامبر اسلام(ص)، تربیت و آموزش حکمت بیان شده است. پیامبر(ص) که حاکمیت دین اسلام را بر عهده داشتند در جامعه اسلامی و در مواقع مختلف می بایست به گونه ای عمل می کردند که مسلمانان را به اخلاق مداری و پایبندی به اصول اخلاقی تشویق کنند. این که پیامبر(ص) در غزوات و مواقع سخت جنگی چگونه اصول اخلاقی و تربیتی را رعایت می کردند؟ سوال اصلی نوشتار حاضر است. یافته های این پژوهش که به شیوه توصیفی- تحلیلی و با استفاده از منابع تاریخی و حدیثی انجام شد، نشان می دهد بر خلاف نظر مشتشرقان که غزوات پیامبر(ص) را بر پایه خشونت و کسب غنیمت تفسیر کرده اند، پیامبر(ص) حتی در غزوات به اصول اخلاقی پای بند بوده و تمام تلاش خود را می کردند تا مکارم اخلاقی و تربیتی از جمله مهربانی، وفای به عهد، صبر و استقامت را به مسلمانان آموزش دهند و آنها را به اخلاق مداری در تمام لحظات رهنمون می کردند.

واژگان کلیدی

پیامبر(ص)، اخلاق مداری، مکارم اخلاقی، غزوات.

---

۱. استادیار گروه معارف، دانشکده علوم انسانی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران(نویسنده مسئول).
Email: s-eslami@iau-arak.ac.ir
۲. استادیار گروه معارف، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران
Email: Hkhosravi88@gmail.com
۳. استادیار گروه معارف، دانشکده علوم انسانی، واحد کمیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، کمیجان، ایران
Email: rahimiabdolla@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۷ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۲/۲۰

www.SID.ir

Archive of SID

طرح مسأله

رعایت اخلاق و اصول اخلاقی از جمله مهمات امور در هر جامعه است. این اصول، اگر بر ملت حاکم شود و از لذت آن بهره ببرند، همه را نسبت به دفاع از سرزمین و مراقبت از کیان حکومت تحریض می کند.

دین اسلام نسبت به سایر ادیان اهمیت بسیاری برای اخلاق و فضائل اخلاقی قائل شده و آن را یکی از اصول اساسی پایداری و دوام حکومت ها و مایه نجات و رستگاری انسان ها دانسته است. این اهمیت به گونه ای است که در قرآن کریم و در سوره مبارکه شمس بعد از ۱۱ قسم بسیار مهم و پیاپی آمده است: «قدْ أَفْلَحَ مَن زَكّاهَا وَقَدْ خَابَ مَن دَسّاهَا»همانا رستگار شد کسی که دل و جان خود را از بدی ها پاک کرد و بدبخت شد آنکه روح و جان خود را در زشتی ها و رذائل اخلاقی رها ساخت. وانگهی در اسلام، غرض از خلقت انسان، رساندن او به کمال و سعادت نهایی است و این کمال و سعادت جز با رسیدن انسان به صفات عالی انسانی و کمالات اخلاقی که همان مکارم اخلاق است، تامین نمی‌شود.

از دیگر دلایل اهمیت اخلاق در اسلام این که یکی از اهداف بعثت پیامبر اکرم (ص)، تعلیم، تربیت، تزکیه، آموزش حکمت و اخلاق بیان شده است. در قرآن کریم آمده است:« او خدایی است که در میان مردم بی سواد پیامبری از جنس خودشان مبعوث فرمود تا آیات قرآن را بر آنان بخواند، به آنان کتاب و حکمت بیاموزد و آنان را از بدی های رفتاری و زشتی های اخلاقی پاک کند(بقره، ۱۲۹).[۱] نظیر همین آیه به صراحت در مورد پیامبر اسلام آمده است که می‌فرماید:«خداوند منت گذارد بر مؤمنین که از جنس خودشان پیامبری فرستاد تا آیات خدا را بر آنان بخواند و آنها را از پلیدی ها و زشتی ها پاک سازد و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد، حال آن که قبلاً در گمراهی آشکار بودند(آل عمران،۱۶۴).[۲] از پیامبر(ص) نیز روایت شده که فرمودند: «من برای تعالی و تتمیم مکارم اخلاق مردم مبعوث شده‌ام».(طبرسی، ۱۳۷۰: ۸).[۳] پیامبر(ص) که اسوه کامل اخلاق و مکارم اخلاقی بودند در تمام اوضاع و شرایط به گونه ای عمل می کردند که اصول تربیتی و اخلاقی برای مسلمانان تجسم می یافت. سیره رسول اکرم(ص) نمونه کامل در تمام رویکرد های عملی جهت هدایت بر اساس آموزه های قرآن کریم است و بدین جهت است که خداوند در قرآن درباره حضرت می فرماید:« یقیناً تو بر بلندای سجایای اخلاقی عظیمی

۱ . «رَبّنا وَ ابعَث فِیهِم رَسُولاً مِنهُم یَتلُو عَلیهِم آیاتِکَ وَ یُعَلِّمُهُم الکِتابَ وَ الحِکمَه وَ یُزَکیهِم، اِنَّکَ اَنتَ العَزیز الحَکیم».

۲ . «لَقَد مَنَّ الله عَلی المُومِنینَ اِذ بَعَثَ رَسُولاً مِن اَنفُسِهِم یَتلُو عَلیهِم آیاتِهِ وَ یُزکیهِم وَ یُعَلِّمُهُم الکِتاب وَ الحِکمَه و اِن کانُوا مِن قَبل لَفی ضَلالٍ مُبین».

۳ . «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأُتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ».

www.SID.ir

Archive of SID

قرار داری».[۱]

یکی از مواقع مهم بروز مکارم اخلاقی پیامبر(ص)، هنگام غزوات و درگیری ها بـود. تعـداد غزوه‌های پیامبر گرامی اسلام(ص)در طول دوران رسالت ۲۸ غزوه گزارش شده است که از سـال دوم هجری شروع شده و تا سال نهم هجری ادامـه داشـته اسـت. اهـداف پیـامبر اکـرم(ص) از غزوات و سرایا مسئله ای است که مورد توجه مستشرقان قرار گرفته و آثـار زیـادی را دربـاره آن خلق کرده اند. اکثر مستشرقان اهداف جنگ های پیامبر اکرم(ص) را مادّی، بـا انگیـزه خشـونت طلبی، به دست آوردن غنائم، کسب سلطه سیاسی و اقتصادی پیامبر(ص) بر دیگران می دانند. در این نوشتار به بررسی اصول تربیتی و اخلاقی در غزوات پیامبر(ص) پرداخته خواهد شد.

جنگ در سیره پیامبر(ص): انگیزه ها، اهداف، ویژگی ها و اخلاق آن

پیامبر اسلام(ص)، در جنگ ها و غزوات به اخلاقیاتی پای بند بودند کـه بشـریت در طـول تاریخ و در جنگ های تلخ خود هرگز آنها را ندیده بود. این اصول اخلاقـی و ارزش هـا نـه تنهـا نظری یا ساخته ذهن نبود؛ بلکه واقعیت زندگی و کاربرد عملی در تمام غزوات پیامبر(ص) بود که سیره نبوی در طول دوران رسالت بهترین شاهد و دلیل بر این اصول اخلاقی بود.

غزوات پیامبر(ص) با انگیزه های منطقی، اهداف متعالی و رفعت اخلاق همراه بوده است که همه اینها برخلاف ویژگی های جنگ های دوره جاهلی و حتـی جنـگ هـای معاصـر اسـت. انگیزه های جنگ در دوره جاهلی متفاوت و متعدد بود. وجه مشترک تمام جنـگ هـای جـاهلی این بود که اغلب درگیری ها بر سـر مسـائل نـاچیز ماننـد دسـتیابی بـه آب و مرتـع بـه دلیـل خشکسالی بیابان و کمبود منابع آب یا تمایل به غـارت و حملـه یـا انتقـام و تعصـب یـا سـودای رهبری و ریاست اتفاق می افتاد که در این صورت تا چندین سال به طول مـی انجامیـد و شـمار بسیاری از افراد برای اهداف ناچیز کشته می شدند. در حـالی کـه، جنـگ در سـیره پیـامبر(ص) منفعلانه بود و از این انگیزه های نفـرت انگیـز بـه دور بـود. تمـام غـزوات و جنـگ هـای دوره پیامبر(ص) با یک انگیزه اخلاقی و مذهبی صورت گرفت که انگیـزه اصـلی و واقعـی آن تعـالی کلمه حق، هدایت مردم به سوی سعادت اخروی، برپایی عدالت اسلامی و پرستش خداونـد بـوده است. برخی از مظاهر اخلاقی و اصول تربیتی در غزوات پیامبر(ص) عبارت بود از:

۱. احسان با مخالفین

احسان و نیکوکاری یکی از ارکان اساسی فضایل اخلاقی در اسلام اسـت ،(بخـاری،۲۰۰۶: ۱۶/۱حدیث۵۰)که دو معنا و کابرد از آن افاده می شود: ۱ـ نیکی و خیر رساننده به دیگـران، ۲ـ انجام دهندهٔ اعمال و رفتارهای صالح و نیک.(اصـفهانی،۱۹۹۲:۲۳۶).رسـول اکـرم(ص) در دوران

۱ . «و انَّکَ لَعَلَی خُلُقٍ عَظِیمٍ»قلم، ۴.

www.SID.ir

Archive of SID

بعثت و حتی در غزوات احسان را بر هر دو وجه عملی نمودند.

احسان و گذشت پیامبر(ص) با اولین منافق اسلام نمونه عالی از اخلاق نبوی است. عبدالله بن ابی از جمله کسانی بود که برای تضعیف موقعیت پیامبر(ص)، دعوت اسلام و تضعیف روحیه صحابه به خصوص مهاجران تلاش بسیار می نمود. هنگامی که سوره منافقون در مذمت رفتار عبدالله بن ابی و دیگر منافقان اسلام نازل شد، عبدالله بن عبدالله بن ابی که تحت امر پدرش بود، نزد رسول اکرم(ص) رفت و به ایشان گفت: اگر شما بخواهید من حاضرم سر پدرم را برای شما بیاورم. به خدا سوگند همهٔ خزرجی ها می دانند که هیچ کسی نسبت به پدرش احسان گرتر از من نبود، ولی از آن روزی بیم دارم که مبادا غیر از من کس دیگری را به کشتن پدرم امر نمائید و من قاتل پدرم را همیشه پیش چشمانم ببینم، مبادا نفسم بر من غالب آید و تحمل دیدنش را نتوانم، و مسلمانی را در بدل کافری بکشم وسبب داخل شدنم در دوزخ گردد. پیامبر فرمودند: « نه! بلکه تا زمانی که با ماست با وی نرمی و مدارا نموده، به نیکوئی رفتار می نماییم». (ابن هشام، بی تا: ۲۹۳/۲؛ طبری ،۱۹۶۷: ۲/ ۶۰۸؛ ابن سید الناس، ۱۹۹۳: ۱۳۱/۲).

۲ -مهربانی با سپاهیان و خانواده های آنها و با مخالفین اسلام

رسول الله(ص) با صحابه و یاران خود و حتی در بعضی زمان ها با دشمنان به مهربانی و عطوفت برخورد می کردند و به همین جهت مصداق این آیه قرآن شدند که:« پس به سبب رحمتی از جانب خدا باآنان مهربان و خوش خوی شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند»(آل عمران، ۱۵۹).[۱] برخی از جوانب مهربانی پیامبر(ص) را با سپاهیان مسلمان و دشمنان اسلام به شرح زیر است:

أ -رحمت پیامبر(ص) با جنازه های مشرکان

پس از پایان یافتن جنگ بدر که شماری از اجساد مشرکان لابلای شهدا پیدا شد پیامبر(ص) دستور دادند تا کشتگان قریش را در یکی از چاه‌های متروک بدر ریختند. یکی از این کشته شدگان امیه بن خلف بود. وی در آزار مسلمانان از هیچ کوششی فرو گذار نکرد؛ از جمله برای بازگرداندن برده مسلمان شده خود بلال حبشی از اسلام، روزها او را روی ریگ های داغ می‌خوابانید و می‌گفت: تا از مسلمانی دست برنداری همین‌گونه خواهی ماند و او با تکرار «اَحَد اَحَد» بر اعتقاد توحیدی خود پای می‌فشرد(ابن هشام،بی تا:۶۳۲/۱؛ ابن اثیر، ۱۹۸۹: ۲۴۳/۱). تاریخنگاران و مفسّران او را از مصادیق «مستهزئین» برشمرده‌اند که همراه با ولید بن مغیره و ابوجهل‌بن‌هشام، پیامبر(ص) را مسخره می‌کردند(ابن اسحاق،۱۴۱۰:۲۱۱؛ سیوطی، الدرالمنثور،۱۳۷۷: ۲۵۲/۳) و نیز از «مقتسمین» دانسته‌اند که هر ساله در موسم حجّ با تقسیم

۱ . «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ».

www.SID.ir

Archive of SID

ورودی های مکه مردم را از گرایش به پیامبر(ص)باز می‌داشتند(هاشمی بغدادی، بی تا:۱۶۰). به گفته ابن اثیر، امیّه و برادرش اُبیّ بن خلف بدترین آزار دهندگان پیامبر(ص)و تکذیب کنندگان ایشان بودند(ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۷۲/۲). با این حال پیامبر(ص) دستور دادند جنازه او را نیز دفن کنند. درباره دفن امیه گفته شده که هنگام دفن اجساد مشرکان، جنازه وی در داخل زره باد کرده بود و بر اثر جابه‌جایی متلاشی می‌شد، ازاین‌رو بدن او را همان‌جا با سنگ و خاک پوشاندند(ابن هشام، بی تا: ۲/ ۶۳۸).

ب -رحمت پیامبر(ص) نسبت به اسرای بدر

نمونه دیگر از رحمت و عطوفت پیامبر(ص) در برخورد با اسرای بدر صورت گرفت که در نتیجه مشورت با صحابه مقرر شد اسرا در ازای پرداخت فدیه بخشیده شوند که البته این رفتار با سرشت و اخلاق پیامبر(ص) سازگار بود (احمدی میانجی، ۱۴۱۹: ۱۰۷/۱؛ مسلم، ۲۰۰۶: ۹۳۹/۲). گفته شده پیامبر(ص) از پیروزی در جنگ خوشحال بود و اسرای بدر در زندان های قفل شده محبوس بودند؛ اما شب که حضرت بی خواب شده بود و اصحاب علت را جویا شدند پیامبر(ص) پاسخ دادند: صدای عمویم عباس را از زندان می شنوم. به همین جهت عباس را به جهت ایشان آزاد کردند (بیهقی ، ۱۳۴۴: ۶۵/۹).

سهیل بن عمرو از خطیبان و سخنوران، یکی دیگر از اسرای بدر بودکه عمر به پیامبر(ص) پشنهاد داد اگر زبان او را از حلقومش بیرون کنید دیگر هیچ خطیبی علیه شما سخنرانی نمی کند(واقدی، ۱۹۸۹: ۳۶۵) پیامبر(ص) فرمودند: من کسی را مثله نمی‌کنم، زیرا خداوند کننده این کار را مجازات می‌کند هر چند عامل به این کار پیامبر باشد(ابن هشام، بی‌تا: ۱/ ۶۴۹ ؛ واقدی، ۱۹۸۹: ۱/ ۱۰۷ ؛ طبری، ۱۳۸۷: ۲/ ۴۶۵).

هنگامی که ابا عزه عمرو بن جمحی، که با اشعارش پیامبر(ص) را آزار می داد، در جنگ بدر اسیر شد. پیامبر(ص) روز بدر ابوعزه عمرو بن عبدالله بن عمیر جمحی را که شاعر بود امان داد و او را بدون دریافت فدیه آزاد فرمود. ابوعزه به پیامبر (ص) گفت : من پنج دختر بینوا دارم که چیزی ندارند. ای محمد، به پاس آنان بر من مرحمت فرمای ؛ و پیامبر (ص) پذیرفت. ابوعزه گفت : من عهد استوار می بندم که دیگر با تو جنگ نکنم و مردم را بر ضد تو جمع نسازم و پیامبر (ص) او را رها فرمود. ولی همین که قریش می خواست برای جنگ احد بیرون آید او نیز با آنان همراه شد. (بیهقی ، ۱۳۴۴: ۶۵/۹؛ مفید، ۱۳۸۰: ۷۹).

ج:عطوفت پیامبر(ص) با شهدا و خانواده های آنها

از دیگر وجوه رحمت پیامبر اکرم(ص) برخورد حضرت با خانواده های شهدا بود. بر این اساس حضرت عمه اش صفیه را از دیدن جنازه برادرش حمزه که در جنگ احد کشته شده بود منع کردند؛ چرا که زنان قریش جنازه پاک حمزه را مثله کرده و مرتکب اعمال ناروا شده بودند.

www.SID.ir

Archive of SID

این برخود پیامبر(ص) نسبت به شهدای صحابه نیز انجام شد و به همین جهت حضرت به جای ارسال اجساد نزد خانواده ها، دستور دفن آنها را دادند و بعد از خاکسپاری اجازه دادند خانواده های شهدا در جایی که اصحاب به شهادت رسیده اند، حضور یابند. این کار پیامبر(ص) به جهت جلوگیری ازپراکنده شدن بدن های پاک شهدا، حزن و اندوه بسیار خانواده ها از دیدن اجساد عزیزانشان بود. به همین جهت حضرت دستور می دادند شهدا را در همان جای معرکه دفن کنند(أبو زهره، ۱۹۷۹: ۲/ ۷۲۲-۷۲۳).

پیامبر(ص) خود از جمله کسانی بود که در غم از دست دادن یاران و صحابه گریه می کردند. هنگامی که سعد بن معاذ به جهت جراحت های وارده در جنگ خندق رحلت کردند، پیامبر(ص) در فقدان او گریستند (اصفهانی، ۱۹۹۸: حدیث ۳۱۰۹).

در غزوه موته هنگامی که زید ابن حارثه به شهادت رسید و دختر زید در معرض دیدگان رسول خدا(ص) قرار گرفت، حضرت بسیارگریستند و شیون و زاری کردند. سعد بن عباده علّت را از حضرت جویا شدند. پیامبر(ص) پاسخ دادند این گریه به خاطر شوق حبیب نسبت به محموبش است(ابن سعد، ۱۹۹۰: ۳/ ۴۷).

در همان غزوه نیز روایت شده که حضرت از اسماء بنت عمیس احوال بنو جعفر را پرسید. اسماء آنها را جمع کرد و پیامبر(ص) آنها را می بویید و اشک از چشمانشان جاری شد و این بعد از اخباری بود که درباره شهادت جعفر بن ابوطالب به پیامبر دادند(واقدی، ۱۹۸۹: ۲/ ۷۶۶).

د-مهربانی پیامبر(ص) با نزدیکان و خویشاوندان

ابن عباس نقل می کند هنگامی که پیامبر(ص) عازم فتح مکه بودند در راه با بعضی از افراد قریش مانند ابوسفیان بن حارث بن عبدالمطلب و عبدالله بن ابی امیه بن مغیره برخورد کردند. آن دو اجازه ورود خواستند و ابو سلمه را واسطه قرار دادند. پیامبر(ص) با همه مودت و خیری که داشتند در ابتدا مخالفت کردند و به ام سلمه گفتند احتیاجی به آن دو نفر ندارند و اجازه ندادند. هنگامی که خبر مخالفت پیامبر(ص) به ابوسفیان و عبدالله بن ابی امیه رسید، ابوسفیان به علی(ع) که همراه او کودکی بود گفت: به خدا سوگند یا پیامبر(ص) به ما اجازه می دهد و یا به این کودک متوسل می شویم و سپس به راه می افتیم تا در اثر گرسنگی و تشنگی بمیریم. هنگامی که این خبر به پیامبر(ص) رسید حضرت تلطف نمودند و اجازه دیدار دادند(ابن البیع،بی تا: ۳/ ۴۳-۴۴، حدیث ۴۳۳۰).

در روز فتح مکه با آن همه ظلم و ستمی که قریش نبست به پیامبر(ص) و مسلمانان روا داشته بودند، عکس العمل حضرت غیر قابل انتظار بود. پیامبر(ص) پس از فتح مکه رو به قریش گفتند:« امروز حرجی بر شما نیست و خداوند شما را خواهد بخشید چرا که او بخشنده مهربان است»(بیهقی، ۹:۱۳۴۴/ ۱۱۸). بر این اساس می توان گفت سرزمین هایی که در آن احساس

www.SID.ir

Archive of SID

رحمت معمولا جایگزین احساس انتقام و پیروزی می شود، مأمن رحمت پیامبر خدا (ص)و سرزمین او است(حوی،۱۹۷۷: ۱۳۹). در همان غزوه بود که سعد بن عباده شعار«الیوم یوم الملحمه» سر داد؛ اما حضرت، علی(ع) را فرستاد تا جلوی سعد را بگیرد و شعار «الیوم یوم المرحمه» را بیان کردند(بخاری، ۲۰۰۶: ۸۷۶/۲؛ حدیث ۴۲۸۰).

ه -مهربانی پیامبر(ص) در برخورد با زنان

پیامبر(ص) ذاتاً انسانی دلسوز و مهربان با مردم بود. هنگامی که بلال بعد از غزوه خیبر از قتلگاه یهود و از کنار زنان بدون هیچ توجهی گذشتند، پیامبر(ص) در حالی که کار او را مذمت می نمود به بلال گفتند: رحمت خداوند از تو دور باد موقعی که پس از گشودن دژهای خیبر، صفیه دختر « حیی بن اخطب» را از کنار اجساد و کشتگان یهود عبور دادی، و آن زن سخت ناراحت گردید، پیامبر با کمال ناراحتی به وی فرمود: مگر رحم از دلت رخت بر بسته، که زن اسیر را از کنار کشتگانش عبور دادی (ابن هشام،۱۹۹۹: ۲۱۳/۳).

۳ - وفای به عهد

یکی دیگر از فضایل اخلاقی پیامبر(ص) وفای به عهد بود. از پیامبر(ص) روایت شده که فرمودند:« هر کس پیمانی را با قومی بسته است نباید آن را بگسلد»(ترمذی، ۱۹۹۸: ۲۳۷/۳ حدیث ۱۵۸۰). در سوره اسراء نیز بر اهمیت و حفظ پیمان تاکید شده است(اسراء، ۳۴)[۱] و پیامبر(ص) خود نمونه ای ممتاز در رعایت وفای به عهد حتی با کفار و اهل کتاب بوده اند.

۱. تشویق سپاهیان به وفای به عهد

پیش از جنگ بدر، ابی طفیل به همراه پدرش عازم مدینه بودند که در میانه راه با کفار قریش برخورد کردند. کفار قریش در ابتدا از آنها خواستند با سپاه همراهی کنند؛ اما آن دو نپذیرفتند. پس کفار قریش از ابی طفیل و پدرش حسیل پیمان گرفتند که اخبار آنها را به پیامبر(ص) نگویند. وقتی ابی طفیل و پدرش با پیامبر(ص) برخورد کردند حضرت را از کفار قریش اطلاع دادند و پیامبر(ص) از این کار ناراحت شدند(صحیح مسلم، ۲۰۰۶: ۹۵۶/۲ حدیث ۱۷۸۷).

واقدی ماجرای دیگری از بد عهدی نقل می کند. عمرو بن امیه کسی بود که از ماجرای بئر معونه نجات یافت. وی هنگامی که به مدینه باز می گشت در میانه راه با دو نفر از بنی عامر که پیش از این با پیامبر(ص) پیمانی بسته بودند، برخوردکرد و چون از قبیله و نسب آنها اطلاع یافت، تصمیم گرفت آن دو نفر را به ازای کشته شدگان مسلمان در واقعه بئر معونه به قتل برساند. وی پس از عملی کردن نقشه خود نزد پیامبر(ص) رسید و ایشان را از کار خود اطلاع داد.

---

۱ . وأَوْفوْا بِالْعهدِ إِن الْعهدكَان مسؤُولا.

www.SID.ir

Archive of SID

پیامبر(ص) او را به خاطر چنین کاری سرزنش کرد و فرمودند آنها از طرف ما امان و پیمان داشتند. پیامبر(ص) خونبهای آن دو نفر را شخصا پرداخت کرد هر چند بنی عامر با خیانت به پیامبر(ص) و پیمان شکنی، یاران رسول خدا(ص) را به قتل رسانده بودند(واقدی، ۱۹۸۹: ۳۶۳/۱-۳۶۴). عملکرد پیامبر(ص) در واقعه بئر معونه نمونه ای اعلی از وفای به عهد است که سایر مسلمانان را به رعایت این نکات اخلاقی تحریض می کرد.

یکی دیگر از نمونه های پیمان مداری پیامبر(ص) درباره ابو جندل اتفاق افتاد. وی فرزند سهیل بن عمرو بود و چون اسلام آورد توسط پدرش زندانی شد. در جنگ حدیبیه وقتی ابو جندل از ورود مسلمانان و پیامبر(ص) اطلاع یافت با غل و زنجیر از زندان گریخت و خود را به پیامبر(ص) رساند در حالی که در این زمان قرارداد صلح حدیبیه بین پیامبر(ص) و سهیل بن عمرو به نمایندگی از مشرکان بسته شده بود. پیامبر(ص) طبق معاهده ابو جندل را به پدرش بازگرداند و به ابو جندل گفت:« شکیبا باش و پاداشت را از خداوند بخواه، خدا به زودی برای تو و همراهانت گشایش خواهد کرد. ما و اهالی حدیبیه صلح کرده ایم و پیمان بسته ایم. ما باید عهد خود را با آنها نگه داریم و نمی توانیم بدان عمل نکنیم(ابن حنبل، ۲۰۰۱: ۳۰/۹، حدیث ۱۸۹۱۰).

بعد از صلح حدیبیه، پیامبر(ص) به مدینه بازگشت. ابوبصیر که در مکه بود اسلام آورد و زندانی شد؛ اما توانست از زندان آزاد شود و خود را به پیامبر(ص) رساند. مشرکان مکه بی درنگ برای پیامبر(ص) پیغام فرستادند تا ابوبصیر را تحویل دهد و پیامبر(ص) به جهت پیمانی که در حدیبیه با مشرکان بسته بود ابو بصیر را بازگرداند و به ابوبصیر گفتند: در دین ما نیرنگ جایز نیست. ابو بصیر در حالی که بسیار اندوهگین بود به حضرت گفت: آیا من را به مشرکانی باز می گردانی که مرا به خاطر دینم مؤاخذه می کنند. پیامبر(ص) پاسخ دادند: خداوند برای تو و دیگر مستضعفان گشایشی خواهند کرد(بیهقی، السنن الکبری، ۱۳۴۴: ۲۲۷/۹).

ب - وفای به عهد پیامبر(ص) با قبیله خزاعه

فتح مکه در سال هشتم هجری اتفاق افتاد. در علت و چگونگی اقدام پیامبر(ص) برای فتح مکه گفته شده پیامبر(ص) پیش از این با قبیله خزاعه همپیمان شده بود؛ اما قریش بدون در نظر گفتن این همپیمانی به بنی خزاعه تعدی نمود و شماری از آنان را به قتل رساند(واقدی، ۱۹۸۹: ۷۸۳/۲؛ طبری،۱۹۶۷: ۴۳/۳). پیامبر(ص) به جهت پیمانی که با قبیله خزاعه داشت سپاه بزرگی را به حمایت از آنها روانه کرد که تا آن زمان عرب مانندش را ندیده بودند و مکه را فتح نمود.

٤ -شجاعت فرمانده

موارد بسیاری از شجاعت های پیامبر(ص) در منابع تاریخی نقل شده است. حضرت در دوره رسالت در ۲۷ غزوه شرکت داشتند که تعداد کشته شدگان مسلمان در این جنگ ها به نسبت سپاهیان دشمن بسیار اندک بود که این نتیجه شجاعت و فرماندهی حضرت بوده است. از

www.SID.ir

Archive of SID

جمله مواردی که بیانگر شجاعت حضرت در مواقع جنگ بوده می توان موارد زیر را بیان کرد:

أ: -پیامبر(ص) پیشتاز نبرد

پیامبر(ص) در تمامی غروات در کنار دیگر مسلمانان و حتی متقدم بر دیگر افراد بودند. در اولین مواجهه بین سپاه کفر و سپاه اسلام،یعنی جنگ بدر در سال دوم هجری، پیامبر(ص) طوری حرکت کردند که زودتر از مشرکان به چاه های بدر رسیدند و دراثنای درگیری، جلوی سپاه و کنار مسلمانان در حال جنگیدن بودند. از علی(ع) روایت شده که فرمودند:«اگر ما را در روز جنگ بدر می دیدی که در سخت ترین لحظات به وجود رسول اکرم(ص) پناه می بردیم در حالی که او نزدیکترین فرد ما به دشمن بود و در جنگ از همه جدی تر و شدیدتر بودند». در روز احد که تعداد مشرکان چندین برابر تعداد مسلمانان بود، پیامبر(ص) سخت مبارزه می کردند در حالی که بسیاری از مسلمانان هنگام فرار از کوه احد بالا رفتند تا نجات جان خود را نجات دهند. واقدی به نقل از کعب بن مالک در کتاب مغازی درباره جنگاوری و شجاعت پیامبر(ص) می نویسد:در روز احد کسی را در جدیّت همانند رسول اکرم(ص) ندیدم»(واقدی، ۱۹۸۹: ۲۵۱/۱).

بعد از این که دو سپاه از هم جدا شدند و ترس از بازگشت سپاه مشرکان وجود داشت، پیامبر(ص) دستور دادند تمام جنگجویان آماده قتال شوند. هنگامی که قریش از تجمع و آماده شدن مجدد مسلمانان خبر یافتند از حمله مجدد منصرف شدند(طبری، ۱۹۹۷: ۷۵۰/۲).

در غزوه احزاب نیز بعد از ترس و وحشتی که مسلمانان در این جنگ تجربه کردند و خداوند آنها را یاری نمود، پیامبر(ص) و مسلمانان به سوی بنی قریظه حرکت کردند تا آنها را به جهت نقض پیمان و همکاری با مشرکان تادیب کنند(طبری، ۱۹۹۷: ۹۸۰/۲).

ب: آمادگی همیشگی پیامبر(ص)

آماددگی همیشگی پیامبر(ص) پیش از درگیری ها از دیگر ویژگی های برجسته نظامی ایشان بود. به هنگام خروج سپاه اسلام برای جنگ با یهود بنی قریظه، پیامبر(ص) نخستین کسی بود که آماده نبرد شدند. واقدی در این بار می نویسد:« پیامبر (ص) زره و مغفر و کلاه بر تن کردند، و نیزه‌ای به دست گرفت، و سپر برداشت، و بر اسب خود سوار شد. یاران پیامبر (ص) در حالی که لباس جنگ پوشیده و بر اسب های خود سوار شده بودند، گرد پیامبر را گرفتند»(واقدی، ۱۹۸۹: ۴۹۷/۲).

پیامبر(ص) در روز حنین نیز بر استری سفید سوار شدند و این خود دلیل بر شجاعت حضرت بود چرا که این سوار در مقابل اسب های جنگی سرعتی نداشت و در چنین مواقعی فرماندهان نظامی سوار بر بهترین مرکب ها می شدند تا به محض احساس خطر فرار کنند (صحیح مسلم، ۲۰۰۶: ۹۴۷/۲ حدیث ۱۷۷۵).

در همان غزوه و در ابتدای درگیری مسلمانان با رگباری از تیرها مواجه شدند که بر آنها

www.SID.ir

Archive of SID

فرود می آمد به همین جهت کسی جز حضرت در میدان جنگ باقی نماند. پیامبر (ص) ضمن توجه به راست و چپ خود خطاب به مسلمانان فراری می‌فرمود: ای یاران خدا و ای یاران رسول خدا! من بنده و رسول خدایم و پایدار و شکیبا ایستاده‌ام. سپس آن حضرت با حربه خود پیشاپیش همه حمله کرد و خداوند متعال دشمن را هزیمت داد. این خود دلیلی است بر این که حضرت در جنگ ها حتی بر یارانش پیشتاز و مقدم بوده و نقش ایشان کمتر از صحابه نبوده است و ایشان فرمانده ، نبی و سرباز بوده است (مهدوی دامغانی، ترجمه مغازی واقدی، ۱۳۶۱: ۶۸۶؛ صحیح بخاری، ۲۰۰۶: ۶۳۲/۲، حدیث ۳۰۲۴).

۵ - صبر و استقامت در میدان نبرد

صبر یعنی زندانی کردن نفس بر اساس آن چه عقل و شرع اقتضاء می کند. یکی از بهترین تجلی گاه های صبر میدان جنگ بوده است. در جنگ احد مشرکان توانستند خود را به پیامبر(ص) نزدیک کنند و پیشانی پیامبر(ص) شکست و لب ایشان زخمی شد و خون بر صورت حضرت جاری گشت و مسلمانان هزیمت یافتند و گروهی از آنها به سوی شهر فرار کرده و شماری از کوه بالا رفتند تا جان خود را نجات دهند(طبری، ۱۹۹۷: ۶۵/۲؛ ترجمه، ۱۰۲۷/۳). در این پیکارسهمگین وقتی مسلمانان فرار کردند و جز شماری اندک از یاران با رسول خدا(ص) باقی نمانده بودند. پیامبر(ص) با صبر معرکه را در مقابل هزاران نفر از مشرکان مدیریت کردند و با همراهان خود استقامت کردند به گونه ای که مشرکان می دیدند در صورت ادامه خسارت وارده بیشتر از پیروزی است(حوی، ۱۹۷۷: ۹۲)

در جنگ خندق سرتاسر شهر مدینه حصاری طولانی و غیر قابل عبور تعبیه شد که مسلمانان در طی این جنگ حتی خواب نداشتند. احزاب تلاش می کردند از جاهای کم عرض تر عبور کند و مسلمانان به همین جهت دائما در حال تحرّک و جابجایی بودند. این گونه فعالیت ها طولانی شد و مسلمانان خسته شده بودند. شرح حال مسلمانان در این جنگ در قرآن کریم این گونه بیان شده است:«به یاد آورید وقتی را که آنها از بالا و پایین بر شما حمله ور شدند و چشم ها خیره شد و جان ها به گلوها رسید»(احزاب/۱۰).[۱] در چنین اوضاعی خبر تکان دهنده ای رسید که بنی قریظه نقض پیمان کرده و با مشرکان همپیمان شده است و بدین گونه مسلمانان در معرض قتل و کشتار و اسیر شدن خانواده هایشان قرار گرفتند. در چنین موقعیتی فرمانده باید صبر پیشه کند، و بعد از آن که مسلمانان متوجه وضعیت خطرناک شدند، در میان سپاهیان امید آورد و اراده ها را تشدید کند و معنویت ها را در انظار مردم بزرگ کند. از این روی بود که پیامبر(ص) یاران خود به پیروزی و کمک خداوند بشارت دادند(بیهقی،دلائل النبوه،

۱ .اذ جاءوکم من فوقکم و من اسفل منکم و اذ زاغت الابصار و بلغت القلوب الحناجر

www.SID.ir

Archive of SID

۱۹۸۵، ۴۰۳/۳).

بر این اساس مواقع خطر و بزنگاه ها نباید کمترین تأثیری بر روحیه فرمانده داشته باشد و صبر بهترین ابزار در این زمان ها است. یک فرمانده بزرگ کسی است که در بزنگاه ها بهترین وجهه صبر را پیشه کند و سختی ها را تا رفع کامل آنها تحمل کند و سرزبازان و سپاهیان را در سخت ترین زمان ها به صبر و استقامت برانگیزد و آنها را به نصرت و یاری خدا بشارت دهد(حوی، ۱۹۷۷: ۱۳۵).

٦- حلم و بردباری به هنگام جنگ

برباری به هنگام جنگ به معنای کنترل نفس از هیجان های مغضوبانه و خشم است(اصفهانی، ۱۹۹۲: ۲۵۳). حلم یکی از فضایل انسان است که خداوند آن را در قلب کسی که بخواهد، قرار می دهد تا خشم خود را از کنترل کند و به وسیله آن عفو و احسان جایگزین عقوبت می شود(قلعۀ جی،۱۹۹۶:ص :۸۶). رسول اکرم(ص) به عنوان نمونه ای از این اصل بود، و هیچ شکی وجود ندارد هنگاهی که پیامبر(ص) دستور به کشتن فردی می داد چندین نفر حاضر به انجام فرمان ایشان بودند؛ بلکه افرادی بودند که به اندازه ای که به به اذن احتیاج داشتند به دستور حضرت احتیاج نداشتند. از این رو هرگاه حضرت رسول(ص) دستور به کاری می دادند پیش از منصرف شدن حضرت، اصحاب بلافاصله آن را انجام می دادند. به همین جهت رسول اکرم(ص) در تمام امور تحمل می کرد و بردباری می ورزید به گونه ای که حلم و بربباری در رفتار حضرت تجسم می یافت(حوی، ۱۹۷۷: ۱۴۱). برخی از نمونه های حلم و بردباری حضرت به شرح زیر است:

أ - بردباری با سربازان

یکی از روزها که پیامبر(ص) مشغول تقسیم مالی میان مسلمانان بود، ذوالحویصره که مردی از بنی تمیم بود، گفت: ای رسول خدا! به عدالت تقسیم کن. حضرت فرمود: وای بر تو! اگر من عدالت نداشته باشم، چه کسی به عدالت رفتار کند؟ اگر من عادل نباشم، تو زیان برده ای. عمر بن خطاب که در جمع حاضر بود از پیامبر(ص) اجازه خواست گردن ذوالخویصره را بزند؛ اما حضرت اجازه ندادند و با بردباری از او گذشتند(قاضی ابرقوه، ۱۳۷۷: ۹۴۰/۲؛ مسلم، ۲۰۰۶: ۵۱۱/۱).

ب -بردباری با مشرکان و دشمنان

قرشیان که از آمدن پیامبر(ص) و مسلمانان به مکه سخت در محذور افتاده بودند مکرز بن حفص را که به شجاعت و بی‌باکی معروف بود به همراهی چهل یا پنجاه نفر از سوارکاران ورزیده مامور کردند تا در اطراف لشکر مسلمانان جولانی بزنند و اگر توانستند کسی را از مسلمانان دستگیر ساخته به نزد قریش ببرند تا گروگانی از مسلمانان در دست قریش باشد و بلکه از این راه

www.SID.ir

Archive of SID

بتوانند پیشنهادهای خود را بر ایشان بقبولانند. اما مکرز و همراهان او نه تنها نتوانستند کاری انجام دهند؛ بلکه همگی به دست مسلمانان اسیر شدند. زمانی که آنها را به نزد پیامبر بردند، رسول خدا(ص) بدین جهت که مأمور به جنگ نبود، دستور دادند آنها را آزاد کنند، با اینکه مکرز و یارانش پیش از اسارت خود، به سوی مسلمانان تیراندازی کرده و آزار زیادی رسانده بودند و حتی به گفته برخی، یکی از مسلمانان را نیز به نام ابن زنیم به قتل رسانده بودند؛ اما به دستور پیغمبر، همگی آزاد شده سالم به سوی قریش بازگشتند(طبری، ۱۹۶۷: ۲۶/۳؛ یعقوبی، بی تا:۵۴/۲؛ واقدی، ۱۹۸۹: ۶۰۲/۲؛ ذهبی،۱۹۹۳: ۳۷۰/۲؛ نسائی، ۲۰۰۱: ۴۸/۸-۴۹).

مهمترین نمونه حلم و بردباری پیامبر(ص) در برخورد با مشرکان و دشمنان هنگام فتح مکه در سال هشتم هجری روی داد که حضرت با همه ظلم، ستم و آزار و اذیت هایی که خود و مسلمانان در مکه از سوی مشرکان متحمل شده بودند، آنها را در فتح مکه با بزگواری بخشیدند. یکی از این افراد هبّار بن اسود بود که به جهت آزار و اذیت مسلمانان در مکه هر گاه نام او برده می شد پیامبر(ص)به شدت ناراحت می شدند و هر گاه حضرت سریه ای را می فرستادند دستور می دادند اگر بر هبّار دست یافتید دستان و پاهایش را قطع کنید و گردنش را بزنید. ضمن این که هبار بن اسود کسی بود که با نیزه به هودج زینب دختر پیامبر(ص) حمله کرده بود، و زینب که حامله بود از این حمله ناگهانی به سختی ترسید و سقط جنین کرد(مهدوی دامغانی، ترجمه دلائل النبوه، ۱۳۶۱: ۳۱۶/۲؛ رسولی، ۱۳۷۵: ۸۳؛ واقدی، ترجمه متن، ۱۳۶۱: ۵۲/۲). هنگامی که مکه فتح شد هبّار نزد پیامبر(ص) آمد و عذرخواهی کرد و گفت: ای رسول خدا هر کس را که شما دشنام داد، ناسزا گویید و هر کس که شما را اذیت کرد او را آزار دهید! من شما را دشنام دادم و اذیت کردم و اکنون پشیمان و ناامیدم. پیامبر(ص) در حالی که هبّار را نگاه می کرد فرمودند: تو را بخشیدم(واقدی، ۱۹۸۹: ۸۵۸/۲-۸۵۹). حلم و بردباری پیامبر(ص) زاید الوصف بود و با این که هبّار مسلمانان و خود پیامبر(ص) را بسیار اذیت کرده بود و موجب سقط جنین و مرگ دختر پیامبر(ص) شده بود، با این وجود وی را بخشیدند.

حلم و بخشش پیامبر(ص) شامل حال وحشی هم شد. وحشی در جنگ احد از پشت نیزه ای به حمزه عموی پیامبر(ص) زد و ایشان را به شهادت رساند.پیامبر(ص) دستور به قتل وی دادند و به همین جهت وحشی از مکه فرار کرد و همراه وفد طائف نزد پیامبر(ص) آمد اظهار اسلام کرد و پیامبر(ص) وی را پذیرا شدند. (واقدی،۱۹۸۹: ۸۶۳/۲). بر این اساس شایسته است که پیامبر(ص) بزرگترین و برترین فرمانده باشند چرا که ایشان با حلم و بردباری از مخالفینی چون هبّار گذشتند و او را به خاطر اسلام پذیرا شدند و این از ویژگی های فرمانده ای الهی است که به هنگام قدرت می بخشند.

www.SID.ir

Archive of SID

۷ -تواضع در بین سربازان

أ - مرکب مشترک با یاران

در میان فرزندان آدم کسی بزرگ تر و متواضع تر از پیامبر(ص) نیست. به عنوان مثال گفته شده در جنگ بدر تعداد مرکب‌های سواری دو اسب و هفت شتر بود که مسلمانان به نوبت بر آنها سوار می‌شدند. بنابراین سهمیه خود رسول اکرم(ص) با علی بن‌ابی‌طالب و مرثد بن أبی مرثه‌غنوی یک شتر بود، از این رو در طی مسیر برخی پیاده رفته و بعضی به استراحت می‌پرداختند و پیامبر از این ماجرا مستأثر نبودند؛ حتی هنگامی که در میانه راه دو یار پیامبر عرضه داشتند:«ما به جای شما پیاده روی می‌کنیم». حضرت فرمود:« نه شما دو تن از من نیرومندترید و نه من از شما به اجر و پاداش بی‌نیازترم»(ابن اثیر، ترجمه متن، ۱۳۷۱: ۷/ ۱۳۴؛ مقدسی، بی تا: ۴/ ۱۸۷ ؛ ابن حنبل ، ۲۰۰۱: ۷، ۱۱۱-۱۱۲، طبرسی، ۱۳۹۰ : ۷۵).

ب- غذا دادن به سربازان

توزیع غذا میان مسلمانان از دیگر اقدامات حضرت بود. در جنگ احزاب هنگامی که حضرت مسلمانان را برای غذا خوردن فراخواندند و مسلمانان جمع شدند حضرت شخصا نان تکه می کردند و لابلای آن گوشت می گذاشتند. پیامبر(ص) به تنهایی این کار را انجام دادند تا همگی خوردند و سیر شدند(مقریزی، ۱۹۹۹: ۱۵۴/۵؛ بیهقی، ۱۹۸۵: ۴۲۴/۳؛ بخاری، ۲۰۰۶: ۸۴۵/۲).

ج - تواضع به هنگام پیروزی

پس از فتح مکه، پیامبر(ص) وارد شهر شدند در حالی که عمامه‌ای سیاه بر سر داشت و پرچم بزرگ و بیرق او هم سیاه بود. آن حضرت در ذی طوی میان مسلمانان ایستاد و سر خود را به علامت فروتنی برای خداوند متعال چنان پایین آورده بود که ریش آن حضرت با لبه زین مماس و یا نزدیک به آن بود و سپاس فتح مکه و کثرت مسلمانان را داشت. سپس فرمود:«همانا زندگی واقعی زندگی آن جهانی است». (مقریزی، ۱۹۹۹: ۳۸۴/۱ ؛ واقدی، ۱۹۸۹: ۸۲۴/۲). پیامبر(ص) در حالی این گونه از خود تواضع نشان می دهد که دشمنانش ایشان را از مکه بیرون رانده بودند و به مخالفت برخاسته و وی را دشنام داده بودند. با این وجود به هنگام پیروزی سر تواضع در برابر خداوند فرود می آورد و شکر می کند. این رفتار بیانگر عظمت روحی و اخلاقی یک فرمانده به هنگام پیروزی است.

همچنین در همان غزوه گفته شده هنگامی که رسول اکرم(ص) وارد مکه شدند و به مسجد رفتند ابوبکر همراه پدرش ابی قحافه نزد پیامبر(ص) آمدند. پیامبر(ص) با دیدن آن دو به ابوبکر فرمودند:چرا پدرت را به دیدن ما آوردی، من خود نزد وی می رفتم. ابوبکر پاسخ داد: شایسته تر این است که پدرم به حضور شما برسند(ابن حنبل، ۲۰۰۱: ۵۱۷/۴۴).

www.SID.ir

Archive of SID

ابی مسعود درباره حوادث غزوه فتح مکه نقل می کند که فردی پس از جنگ با پیامبر(ص) گفتگو می کرد که لرزش او را فراگرفت. پیامبر(ص) فرمودند: افتخار از آن شماست. این گونه پیامبر(ص) از خود تواضع نشان می دهد در حالی که هنوز زمان چندانی از پیروزی نگذشته بود(صالحی شامی، ۱۹۹۳: ۷/ ۱۰۸؛ ابن البیع، بی تا: حدیث ۴۳۳۷، ۴۷/۳-۴۸).

۸ -حسن ظن نسبت به سربازان

حسن ظن فرمانده نسبت به سربازان که از قواعد و لوازم حفظ انسجام است موجب بالا رفتن همت و تلاش و تعالی ارزش سربازان می شود علاوه بر این که سربازان این فضیلت را نیز از فرمانده به ارث می برند و بدین صورت روح محبت و حسن ظن نسبت به دیگران گسترش می یابد. پیامبر(ص) از جمله فرماندهانی بوده که همواره نسبت به سربازان اسلام چنین نگاه و نگرشی داشتند چرا که حضرت به خوبی از ذات و فطرت سربازان خود اطلاع داشتند. هنگام بازگشت پیامبر(ص) از غزوه بدر که با پیروزی سپاه اسلام همراه بود- که حضرت با اختیار و برای جرأت دادن به سپاهیان از شهر بیرون رفتند و خداوند پیروزی را نصیب مسلمانان گردانید- أسید بن حضیر نزد پیامبر(ص) آمد و عرض کرد: سپاس پروردگاری را که تو را مسرور و بر دشمنت پیروز گردانید و سوگند به آن که تو را به حق فرستاده است، من به منظور حفظ جان خود از همراهی با تو باز نایستادم، بلکه اصلا گمان نمی‌بردم که تو با دشمن بر خورد می‌کنی و گمان نمی‌کردم که جز گرفتن کاروان مسأله دیگری هم خواهد بود. پیامبر (ص) فرمود: راست می‌گویی. و این نخستین جنگی بود که خدا درآن اسلام و مسلمانان را عزیز و مشرکان را خوار کرد(واقدی، ۱۹۸۹: ۲۱/۱، بلاذری، ۱۹۹۶: ۱/ ۲۸۸؛ مبارکفوری، ۲۰۰۱: ۲۴۷).

در همان غزوه عبدالله بن انیس در«تربان» با دیدن رسول اکرم(ص)گفت: ای رسول خدا، سپاس خدای را که به تو سلامت و پیروزی داد. شبهایی که شما از مدینه بیرون بودید، من گرفتار تب نوبه بودم، و تا دیروز دست از سرم بر نداشت، و امروز پیش شما آمدم. پیامبر (ص) فرمود: خدایت اجر دهد(واقدی، ۱۹۸۴: ۱۱۷/۱).

پیش از خروج سپاه اسلام برای غزوه احد، پیامبر(ص) ماجرای رؤیایی را که دیده بودند برای اصحاب بیان کردند. همان شب پیامبر (ص) خوابی دید و چون صبح کرد و مردم جمع شدند، خطبه‌ای ایراد فرمود. پیامبر (ص) پس از ثنا و ستایش الهی چنین فرمود: ای مردم من خوابی دیده‌ام، در خواب دیدم گاو نری کشته شد. مردم گفتند: آن را چگونه تعبیر می‌فرمایی؟ فرمود: گاوی که کشته شد، کشته شدن برخی از اصحاب من است. نعمان بن مالک بن ثعلبه که از بنی سالم بود، گفت: ای رسول خدا، کشته شدن گاو را که تعبیر به کشته شدن اصحابت فرمودی، شهادت می‌دهم که من هم از آنها هستم، چرا ما را از بهشت محروم می‌سازی؟ سوگند به خدایی که غیر از او خدایی نیست، من وارد بهشت خواهم شد. پیامبر (ص) فرمود: به چه دلیل

www.SID.ir

Archive of SID

این را می‌گویی؟ گفت: من خدا و رسول خدا را دوست دارم و روز جنگ نخواهم گریخت. پیامبر (ص) فرمود: راست گفتی! و نعمان در آن روز به شهادت رسید(واقدی، ۱۹۸۹: ۱/ ۲۱۱).

هنگامی که به پیامبر(ص) خبر دادند که ابوذر از غزوه تبوک تخلّف کرده است گفته آنها را نپذیرفت و فرمودند : او را رها کنید به قاعده هر باری، اگر از أهل خیر است حق تعالی او را به شما باز رساند، و اگر از أهل شرّ است شما خود از وی آسوده باشید و وی را طلب مکنید. بعد از ساعتی دیگر دیدند که أبوذر رحل از شتر خود فرو گرفته بود و بر سر خود نهاده بود و تنها زمام ناقه خود گرفته بود و می‌کشید و می‌آورد، و چون سواد وی از دور بدیدند، وی را نشناختند و گفتند: پیاده‌ای می‌آید و چیزی بر سر نهاده است و ماهار شتر در دست گرفته است و می‌کشد و می‌آید، نمی‌دانیم که وی کیست. سیّد، علیه السّلام، گفت: آن أبوذر غفاری است. پس چون نزدیک آمد و نیک ظاهر شد، گفتند: یا رسول الله، أبوذر است. آن گاه سیّد، علیه السّلام، گفت:رحمت خدای بر أبوذر باد، که تنها به راه رود و تنها می میرد و تنها او را برانگیزند از گور. (ابن البیع، بی تا: ۵۰/۳-۵۱، حدیث ۴۳۴۶؛ قاضی ابرقوه، سیرت رسول الله، ۱۳۷۷: ۹۷۰/۲).

چنین دیدگاهی را پیامبر(ص) نسبت به ابی خیثمه داشتند که در ابتدای غزوه حضور نداشت. ابی خیثمه هنگامی که از اقدام پیامبر(ص) اطلاع یافت حرکت کرد و چون به پیامبر(ص) رسید آن حضرت در تبوک فرود آمده بود. مردم گفتند، از دور سواری در راه است. پیامبر (ص) فرمود: باید ابو خیثمه باشد، و مردم چون نگریستند گفتند، ای رسول خدا، ابو خیثمه است! او چون شترش را خواباند به حضور پیامبر (ص) آمد و سلام کرد. پیامبر (ص) فرمودند: خبرهای تازه چه داری؟ و او علت تاخیر خود را به عرض رسول خدا رساند، و پیامبر (ص) به او با محبت پاسخ داد و برایش دعای خیر فرمود(واقدی، ترجمه متن، ۱۳۶۹: ۷۶۱؛ مسلم، ۲۰۰۶: ۱۴۳۸/۳).

در بازگشت از غزوه موته با این که مسلمانان متحمل شکست شدند و مردم به هنگام استقبال از سپاه اسلام به سوی آنها خاک پرتاپ کردند و به خاطر فرار از معرکه توبیخ نمودند، پیامبر(ص) فرمودند:« آنها ترسو و فراری نیستند و از شجاعان اند و اگر خدا بخواهد حمله می کنند»(ابن هشام، ۱۹۹۹: ۱۶/۳-۱۷؛طبری، ۱۹۶۷: ۴۲/۳؛ بیهقی، ۱۹۸۵: ۳۷۴/۴؛ ابن کثیر، ۱۹۸۶: ۲۴۸/۴؛ ذهبی، ۱۹۹۳: ۴۹۱/۲).

این ها مواردی از اعتماد و حسن ظن پیامبر(ص)نسبت به سربازانی بود که در مدرسه جهاد و قرآن تربیت شدند.

۹ -عدالت با سربازان

عدالت و رعایت حقوق مساوی برای افراد از اصول اساسی حاکمیت و پادشاهی است. یکی دیگر از ویژگی های اخلاقی و اصول تربیتی پیامبر(ص) عدالت بود به گونه ای که می توان با استناد به مدارک و شواهد تاریخی ایشان را عادل ترین فرد دانست. بهترین نمونه ها از رفتار

www.SID.ir

Archive of SID

عدالت جویانه حضرت با مسلمانان در خلال غزوات روی داد.

در روز بدر پیامبر(ص) صف یاران خویش را مرتب کرد و تیری به دست داشت که کسان را با آن برابر هم می‌کرد و چون به نزد سواد بن غزیه رسید که از صف برون زده بود با تیر به شکم وی زد و گفت: «سواد برابر بایست.» سواد گفت: «ای پیمبر! دردم آمد خدا ترا به حق فرستاده و باید تلافی کنم.» پیامبر (ص) شکم خویش را بنمود و گفت: «تلافی کن». سواد پیامبر(ص) را برگرفت و شکم ایشان را بوسید.پیامبر(ص) گفت: «چرا این کار کردی؟ سواد گفت: «ای پیامبر! جنگ در پیش است و شاید کشته شوم و خواستم در این دم آخر پوست من به پوست شما رسیده باشد». پیامبر(ص) نیز برای او دعای خیر کرد(طبری، ۱۹۶۷: ۴۴۶/۲؛ابن سعد، ۱۹۹۰: ۳۹۱/۳؛ اصفهانی، ۱۹۹۸: ۱۴۰۴/۳، حدیث ۲۵۵۰).

به هنگام بازگشت از غزوه طائف نیز پیامبر(ص) ناخواسته چندین تازیانه به یکی از اصحاب زدند که بعد از آن که متوجه اقدام خود شدند از آن صحابی دلجویی نمودند. واقدی در کتاب المغازی ماجرا را این گونه بیان می کند:

ابو زرعه جهنی گفته است: در قرن المنازل همین که پیامبر (ص) می‌خواستند سوار بر ناقه خود شوند من دستبند ناقه را برداشتم، لگام هم در دست من بود و پس از اینکه پیامبر (ص) پا در رکاب نهادند لگام را به دست ایشان دادم و دور زدم و پشت سر ناقه قرار گرفتم. پیامبر (ص) بدون توجه چند تازیانه به کفل‌های ناقه زدند که همه به من خورد. آن حضرت متوجه شده و فرمودند: آیا تازیانه به تو خورد؟ گفتم: آری، پدر و مادرم فدای تو باد. گوید: چون پیامبر (ص) به جعرّانه فرود آمد تعداد زیادی گوسپند در گوشه‌یی بود. پیامبر (ص) از صاحب گوسپندان سؤالی فرمود و به آن حضرت پاسخی دادند که به خاطر ندارم، سپس با صدای بلند فرمود: ابو زرعه کجاست؟ من گفتم: اینجا هستم! فرمود: این گوسپندها را به عوض تازیانه‌هایی که دیروز به تو خورد برای خودت بگیر. گوید: آنها را شمردم، یکصد و بیست گوسپند بودند و من از برکت آن برای خود اموالی به دست آوردم(واقدی، ۱۹۸۹: ۹۴۰/۳).

بنابراین شاسیته است که پیامبر(ص) را عادل ترین فرد دانست چرا که هر چند حضرت بدون قصد و غرض با تیر به شکم سواد بن غزیه زد و یا تازیانه اش به ابوزرعه برخورد نمود؛ اما از هر دو صحابی دلجویی نمود. این گونه رفتارهای پیامبر(ص) بیانگر مقام و منزلت فرمانده ای الهی است که به خوبی سربازان و یاران خود را می شناسد و بر اساس عدالت با آنها برخورد می کند و عدالتش را حتی در وقت سختی و جنگ نشان می دهد و عدالت تجسم می یابد.

www.SID.ir

Archive of SID

نتیجه گیری

اخلاق و مکارم اخلاقی آن چنان در اسلام از اهمیت برخوردار است که در قرآن کریم هدف از بعثت انبیاء و پیامبر اسلام(ص) آموزش اصول تربیتی و اتمام مکارم اخلاقی بیان شده است. رعایت اصول اخلاقی و تربیتی در جامعه امری ضروری است و بدین جهت پایبندی بدان به خصوص در مواقع خطر و جنگ از اهمیت خاصی برخوردار است.

چگونگی برخورد پیامبر(ص) با مخالفان، به خصوص در غزوات و درگیری ها، از جمله موضوعات مهم تاریخی بوده که مورد توجه مورخان و مستشرقان قرار گرفته است. پیامبر(ص) به عنوان حاکم سیاسی و مذهبی جامعه اسلامی در حین جنگ و پس از آن تلاش بسیار می کردند تا اصول اخلاقی را رعایت کرده و نکات تربیتی را به اصحاب و یاران آموزش دهند.

یکی از نمود های تربیتی و اخلاقی پیامبر(ص) احسان با مخالفین بود، کسانی که برای تضعیف موقعیت پیامبر(ص) تلاش بسیاری نمودند؛ اما پیامبر رحمت(ص) در حق این افراد احسان نمود. عبدالله بن ابی که بزرگترین منافق در اسلام شناخته شده از جمله افرادی بود که مورد احسان پیامبر(ص) قرار گرفت و وقتی پسر عبدالله از رسول اکرم(ص) اجازه خواست تا پدرش را به قتل برساند، حضرت وی را به احسان و نیکوکاری در حق پدرش توصیه نمود.

پیامبر(ص) در برخورد با سپاهیان و خانواده های آنها حتی با مخالفین به مهربانی و عطوفت برخورد می کردند و بر این اساس پس از جنگ بدر ضمن دستور خاکسپاری شهدای اسلام، کشتگان قریش را نیز دفن کردند. بسیاری از دشمنان چون سهیل بن عمرو و ابوعزه مورد بخشش پیامبر(ص) قرار گرفتند. با خانواده های شهدا به مهربانی برخورد کردند و با دیدن خانواده های آنها گریستند.

وفای به عهد و پایبندی به پیمان از دیگر مواردی بود که پیامبر(ص) نه تنها خود رعایت می کردند؛ بلکه مسلمانان را به رعایت آن ملزم نمودند و بر این اساس طبق پیمان ابوبصیر و ابوجندل را که مسلمان شده و به پیامبر(ص) ملحق شده بودند به مشرکان بازگرداند و به حمایت از قبیله خزاعه که همپیمان پیامبر(ص) بودند سپاهی را به مقابله با قریش فرستادند.

شجاعت، پیشتازی و تقدم در جنگ ها، آمادگی همیشگی از دیگر مشخصه های فرماندهی پیامبر(ص) در غزوات بود. حضرت علاوه بر این موارد در میدان نبرد برای رسیدن به پیروزی صبر و استقامت پیشه می کردند و پس از جنگ نیز با سربازان و حتی مشرکان بر اساس حلم، بخشش و بردباری عمل می نمودند.

تواضع و فروتنی از اصول اخلاقی و تربیتی بود که پیامبر(ص) هیچگاه فراموش نمی کردند. به هنگام پیروزی دچار غرور نمی شدند و با یاران خود متواضع برخورد می کردند به گونه ای که شخصا برای یاران مهمات و غذا تهیه می کردند و با مسلمانان به هنگام ضرورت مرکب یا سواری مشترک داشتند. بنابراین می توان گفت پیامبر(ص) مهمترین اصول تربیتی و اخلاقی را در غزوات و جنگ ها پایگذاری نمود.

www.SID.ir

Archive of SID

فهرست منابع

قرآن کریم
۱. ابن اثیر، عز الدین أبو الحسن علی بن ابی کرم، الکامل في التاریخ ، ترجمه ابو القاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱ش.
۲. ـــــــــ ، أسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت، دار الفکر،۱۹۸۹.
۳. ابن اسحاق، محمد، السیره النبویه، تحقیق سهیل زکّار، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۰ق.
۴. ابن البیع ، أبو عبد الله حاکم محمد بن عبد الله نیشابوري، المستدرك علی الصحیحین ، دار المعرفه ، بیروت، بی تا.
۵. ابن حنبل ، أبو عبد الله أحمد شیباني، مسند أحمد بن حنبل، تحقیق وتعلیق شعیب أرنؤوط ، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۲۰۰۱م.
۶. ابن سعد، محمد بن منیع هاشمي بصري، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۹۹۰م.
۷. ابن سید الناس ، فتح الدین أبو الفتح محمد ، عیون الأثر في فنون المغازي والشمائل والسیر ، دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، بی تا.
۸. ابن کثیر دمشقی، أبو الفداء اسماعیل بن عمر، البدایه و النهایه، بیروت، دار الفکر،۱۹۸۶م.
۹. ابن هشام، عبد الملك حمیری معافری، السیرة النبویة، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبد الحفیظ شلبی، بیروت، دار المعرفة، بی تا.
۱۰. ابو زهره ، امام محمد، خاتم النبیین صلی الله علیه وسلم ، دار الفکر العربي، ۱۹۷۹م.
۱۱. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الرسول(ص)، قم، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، ۱۴۱۹ق.
۱۲. اصفهاني ، أبو نعیم أحمد بن عبد الله، معرفه الصحابه، تحقیق عادل بن یوسف عزازي، دار الوطن للنشر،السعودیه، ۱۹۹۸م.
۱۳. اصفهاني، أبو القاسم حسین بن محمد معروف به راغب اصفهاني، مفردات ألفاظ القرآن ، تحقیق صفوان عدنان داوودي، دار القلم ، دمشق، ۱۹۹۲م.
۱۴. بخاري ، أبو عبد الله محمد بن إسماعیل، صحیح بخاري، دار ابن رجب ، المنصوره، ۲۰۰۶م.
۱۵. بلاذری، أحمد بن یحیی بن جابر، انساب الأشراف، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر، ط الأولی، ۱۹۹۶م.
۱۶. بیهقي ، أبو بکر أحمد بن حسین، السنن الکبری، مجلس دائره المعارف، حیدرآباد، ١٣٤٤ق.
۱۷. ـــــــــ ، دلائل النبوة ومعرفة أحوال صاحب الشریعة،دار الکتب العلمیة ، بیروت، ۱۹۸۵م.
۱۸. ترمذي ، أبو عیس محمد بن عیسی ، الجامع الکبیر المعروف سنن الترمذي ، تحقي: بشار عواد معروف، دار الجمیل ، بیروت،۱۹۹۸.
۱۹. حوی ، سعید، الرسول صلی الله علیه وسلم، ۱۹۷۷م.

www.SID.ir

Archive of SID

۲۰. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق عمر عبد السلام تدمری، بیروت، دار الکتاب العربی، ط الثانیه،۱۹۹۳م.
۲۱. رسولی، سید هاشم، زندگانی محمد(ص) پیامبر اسلام، تهران، انتشارات کتابچی، چ پنجم ، ۱۳۷۵ش.
۲۲. سیوطی، عبدالرحمن، درّالمنثور فی التفسیر بالماثور، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۳۷۷ق.
۲۳. صالحی شامی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، تحقیق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت، دار الکتب العلمیه، ط الأولی، ۱۹۹۳م.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۰ ق.
۲۵. ـــــــــــ مکارم الاخلاق ، قم، شریف رضی، ۱۳۷۰ش.
۲۶. طبري، أبو جعفر محمد بن جرير، تاريخ الأمم و الملوك ، تحقيق محمد أبو الفضل ابراهيم ، بيروت، دار التراث ، ط الثانية، ۱۹۶۷/۱۳۸۷.
۲۷. قاضی ابرقوه، رفیع الدین اسحاق بن محمد همدانی، سیرت رسول الله، تحقیق اصغر مهدوی، تهران، خوارزمی، چ سوم، ۱۳۷۷ش.
۲۸. قلعه جي ، محمد رواس، دراسة تحليلية لشخصية الرسول محمد صلى الله عليه وسلم من خلال سيرته الشريفه ، دار النفائس ،بيروت، ۱۹۹٦م.
۲۹. مباركفوري ، صفي الرحمن، الرحيق المختوم، دار الحديث، القاهره، ۲۰۰۱م.
۳۰. مسلم ، أبو الحسن مسلم بن حجاج بن مسلم قشيري نيسابوري، صحيح مسلم، دار ابن رجب ، المنصوره، مصر، ۲۰۰٦م.
۳۱. مفید، محمد بن محمد، الارشاد، ترجمه محمد باقر ساعدی خراسانی، تهران، الاسلامیه، ۱۳۸۰ش.
۳۲. مقدسی، مطهر بن طاهر، البدء و التاریخ، بور سعید، مکتبة الثقافة الدینیة،بی تا.
۳۳. مقریزی، تقی الدین أحمد بن علی، إمتاع الأسماع بما للنبی من الأحوال و الأموال و الحفدة و المتاع، تحقیق محمد عبد الحمید نمیسی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ط الأولی،۱۹۹۹م.
۳۴. مهدوی دامغانی، محمود ، ترجمه دلائل النبوة، تهران ، انتشارات علمی و فرهنگی، دو جلد، ۱۳۶۱ش.
۳۵. ـــــــــــ ، ترجمه مغازی، محمد بن عمر واقدی ، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چ دوم، ۱۳۶۹ش.
۳۶. نسائي، أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب خراساني، السنن الكبرى، تحقيق: حسن عبد المنعم شلبي، مؤسسه الرساله ، بيروت، ۲۰۰۱م.
۳۷. واقدي، محمد بن عمر، المغازی، تحقیق مارسدن جونس، بیروت، مؤسسة الأعلمی، ط الثالثة،۱۹۸۹م.
۳۸. هاشمی بغدادي، ابو جعفر محمد بن حبیب بن امیه، کتاب المحبر، تحقیق ایلزه لیختن شتیتر، بیروت، دار الآفاق الجدیده، بی تا.
۳۹. یعقوبی، احمد بن أبی یعقوب بن جعفر بن وهب، تاریخ یعقوبی، بیروت ، دار صادر، بی تا.

www.SID.ir

Archive of SID

www.SID.ir